



تحلیل احادیث امام حسن عسکری (علیه السلام) در بستر سیاسی فرهنگی عصر ایشان

دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۳، بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۱۷، پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸

زینب امیدیان^۱

چکیده

تحلیل محتوایی احادیث ائمه (علیهم السلام) با توجه به شرایط صدور و دسته‌بندی موضوعی آن‌ها، می‌تواند طرح و برنامه هر امام برای دوره خویش را مشخص کند و تصویری روشن از رویکرد ایشان در مواجهه با شرایط اجتماعی و چالش‌های هر دوران ارائه دهد. از این‌رو، پژوهش حاضر به روش تاریخی به بررسی محتوایی و تحلیلی احادیث امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌پردازد و پیوند آن‌ها را با بستر سیاسی و فرهنگی هم‌عصر امام (علیه السلام) تبیین می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دوره امامت امام عسکری (علیه السلام) با فشار سیاسی شدید، کنترل امنیتی خلافت عباسی و تکرر جریان‌های فکری و کلامی همراه بود که بنیان‌های اعتقادی جامعه اسلامی و به‌ویژه شیعیان را تهدید می‌کرد. جامعه اسلامی با جریان‌های متعارضی همچون تشبیه و تجسیم، ثنویه، معتزله، ناصبی‌گری، غلو و برخی فرق شیعی مواجه بود که در صدد ترویج پنداره‌های ناصواب درباره توحید، امامت، احکام، تفسیر و اخلاق بودند. در چنین فضایی، امام حسن عسکری (علیه السلام) با رویکردی عقلانی، تنزیهی و تربیتی به تبیین صحیح توحید و مهدویت، تثبیت امامت و ولایت ائمه (علیهم السلام) و نیز سامان‌دهی آموزه‌های اخلاقی، فقهی و تفسیری پرداخت و جامعه شیعی را از فروغلتیدن در چالش‌ها و شبهات زمانه حفظ فرمود. می‌توان گفت که امام حسن عسکری (علیه السلام) از جایگاهی ویژه در حفظ میراث علمی اهل بیت (علیهم السلام) و تبیین معارف دینی برخوردار است و آموزه‌های ایشان پلی میان معارف امامان پیشین و بسترسازی فکری برای دوران غیبت کبری محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امام حسن عسکری (علیه السلام)، احادیث، بحران فکری عقیدتی، شیعه، مهدویت.

z.omidiyan@hsu.ac.ir

۱. استادیار گروه تاریخ تشیع، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران:

۱. مقدمه

۱-۱. مسئله پژوهش

امام حسن عسکری (علیه السلام) در دوره‌ای از تاریخ اسلام می‌زیستند که جامعه اسلامی با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متعددی مواجه بود. خلافت عباسی در این دوره با چالش‌های گوناگون داخلی و خارجی روبه‌رو بود و هم‌زمان، جریان‌های مختلف فکری و کلامی در فضای فرهنگی جامعه اسلامی فعالیت می‌کردند. از سوی دیگر، محدودیت‌های سیاسی اعمال شده بر امام و شیعیان، شرایط ویژه‌ای را در نحوه ارتباط رهبری دینی با پیروان پدید آورده بود. امام حسن عسکری (علیه السلام) در چنین بستری عهده‌دار رهبری جامعه شیعه بود و بخشی از میراث علمی ایشان در قالب احادیث و روایات در منابع حدیثی شیعه انعکاس یافته است.

احادیث امام حسن عسکری (علیه السلام) طیف متنوعی از موضوعات اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و دینی را دربرمی‌گیرد. با این حال، مطالعه این روایات صرفاً از منظر محتوایی نمی‌تواند همه ابعاد و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها را روشن سازد؛ از این‌رو، بررسی این احادیث در پیوند با شرایط سیاسی و فرهنگی عصر صدور آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان، این پرسش مطرح می‌شود که تنوع موضوعی و محتوایی احادیث امام حسن عسکری (علیه السلام) چه نسبتی با شرایط سیاسی و فرهنگی عصر ایشان دارد؟

۱-۲. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

شناخت زیست‌جهان سیاسی، فرهنگی و فکری امامان، امکان فهم عمیق‌تر از احادیث معصومان (علیهم السلام) را فراهم می‌سازد و به درک کاربردی‌تر مفاهیم بنیادین تشیع می‌انجامد. اگرچه در زمینه زندگی و سیره امام حسن عسکری (علیه السلام) مطالعاتی صورت گرفته، اما واکاوی ارتباط میان احادیث آن حضرت و فضای تاریخی خاص دوران ایشان، همچنان خلأ پژوهشی محسوب می‌شود؛ بنابراین، پرداختن به تحلیل بستر تاریخی احادیث آن امام، به‌مثابه کلیدی برای فهم دقیق‌تر مواضع و راهبردهای ایشان در آن عصر پراشتهاب،

یک ضرورت به نظر می‌رسد. روش این تحقیق، روش تاریخی است؛ بدین معنا که ابتدا شرایط سیاسی عصر امام عسکری (علیه السلام) بررسی می‌شود. سپس، با دسته‌بندی موضوعی روایات (فقهی، کلامی، تفسیری، اخلاقی، دعا و زیارت)، تلاش می‌گردد تا پیوند احادیث با محیط فکری و فرهنگی زمانه امام (علیه السلام) شناخته شود؛ این پیوند در ذیل هر دسته از احادیث توضیح داده می‌شود. اهمیت این رویکرد در آن است که نشان می‌دهد روایات امام عسکری (علیه السلام) نه تنها بازتاب‌دهنده معارف اعتقادی هستند، بلکه هر یک پاسخی هدفمند به یکی از مسائل مهم جامعه در قرن سوم است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله درباره امام حسن عسکری (علیه السلام) انجام شده است. به‌عنوان نمونه، کتاب باقر شریف‌قرشی (۱۳۷۵) به شرح زندگانی آن حضرت اختصاص دارد و اثر مشترک سیدمنذر حکیم و عبدالرزاق صالحی (۱۳۸۵) نیز به زندگی و سیره امام عسکری (علیه السلام) پرداخته است. در میان پایان‌نامه‌ها، مائده صمصامی (۱۴۰۰) به تحلیل محتوای نامه امام حسن عسکری (علیه السلام) به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری پرداخته است؛ پایان‌نامه تحف‌الحسین (۱۴۰۱) شیوه‌های تعامل امام با خلفا و شیعیان را بررسی کرده و در پایان‌نامه‌ای دیگر (۱۳۹۲) گونه‌شناسی روایات تفسیری ایشان مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه مقالات علمی نیز، شمخی و فایضی (۱۳۹۷) صرفاً به بررسی روایات تفسیری امام عسکری (علیه السلام) پرداخته‌اند، بدون آنکه این روایات را با شرایط زمانه پیوند دهند. علی‌پور و قرائتی (۱۴۰۳) به مواجهه امام با معضلات فکری و معرفتی رایج در سامراء توجه کرده‌اند، اما به تحلیل محتوای احادیث امام نپرداخته‌اند. همچنین، ثنایی (۱۴۰۰) نقش امام (علیه السلام) را در آماده‌سازی جامعه شیعی برای دوران غیبت بررسی کرده و نجاتی (۱۴۰۳) به نقش ایشان در نهادینه‌سازی خمس پرداخته است. با وجود این مطالعات، هیچ پژوهشی تاکنون به رابطه میان احادیث متنوع امام حسن عسکری (علیه السلام) و شرایط فکری و فرهنگی عصر ایشان نپرداخته است. برخی پژوهشگران تنها به بخشی از احادیث توجه داشته‌اند، اما تحلیل منسجم احادیث در بستر

بحران‌های فکری عقیدتی آن دوره را انجام نداده‌اند. از این‌رو، ارتباط میان احادیث امام و شرایط خاص سیاسی و فرهنگی عصر ایشان همچنان نیازمند پژوهشی مستقل و روشمند است که تحقیق حاضر در صدد پر کردن این خلأ است.

این مقاله با رویکرد تحلیلی تاریخی، احادیث امام حسن عسکری (علیه السلام) را در تعامل با بستر تاریخی و چالش‌های فکری هم‌عصر ایشان بررسی می‌کند و کوشیده است نحوه هدایت جامعه و مواجهه امام (علیه السلام) با شبهات و بحران‌های فکری زمانه را تبیین نماید. این رویکرد، از منظر مسئله و روش، نوآوری تحقیق حاضر محسوب می‌شود و انتظار می‌رود نتایج آن در فهم الگوهای مواجهه با شبهات فکری در دوران معاصر نیز الهام‌بخش باشد.

۲. اوضاع سیاسی دوره امامت امام حسن عسکری (علیه السلام)

در دوره امامت امام عسکری (علیه السلام) خلافت عباسی در یکی از متزلزل‌ترین و آشفته‌ترین مراحل تاریخی خود قرار داشت. آن حضرت هم‌زمان با سه خلیفه عباسی، معتز (۲۵۲-۲۵۵ ق)، مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ ق) و معتمد (۲۵۶-۲۷۹ ق)، زندگی کرد ابن اثیر، ۱۳۸۲، ج ۷: ۱۹۵-۱۹۶؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۳۵۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۴۲۱-۴۲۲). در این دوران، ترکان بر ساختار خلافت چیره شده و عملاً قدرت واقعی را در دست داشتند؛ آنان معتز و مهتدی را کنار زدند و معتمد را بر تخت نشانند. نتیجه این سلطه، تضعیف و تجزیه خلافت و ظهور دولت‌های مستقل مانند صفاریان، طولونیان و علویان طبرستان بود (ن. ک: خضری، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۳۵). علاوه بر این، قیام‌های متعدد از حرکت‌های علویان در کوفه تا شورش گسترده صاحب‌الزنج، نارضایتی مردمی از خلافت عباسی را آشکار می‌کرد؛ هرچند امام عسکری (علیه السلام) با تأکید بر اینکه صاحب‌الزنج «از ما اهل بیت نیست»، این قیام‌های مقطعی و بی‌ریشه را تأیید نکرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۴۲۸-۴۲۹).

در چنین فضایی، خلفای عباسی برای مهار جریان تشیع، امام (علیه السلام) را از آغاز حضورش در سامرا تحت مراقبتی سخت قرار دادند. احضار امام هادی (علیه السلام) و سپس امام عسکری (علیه السلام) به سامرا، همانند احضار امام رضا (علیه السلام) به خراسان، تلاشی برای کنترل ارتباط آنان با شیعیان بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد که امام ناچار بود هر دوشنبه و پنج‌شنبه در دارالخلافه

(زینب امیدیان)

حاضر شود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۴۳۴) و حتی در نامه‌ای به یاران خود تأکید می‌کرد که «هیچ کس بر من سلام نکند و حتی اشاره نیز ننماید» (راوندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۴۳۹). سیاست عباسیان آکنده از زندان، تهدید و محدودیت بود؛ مهتدی قصد قتل امام را داشت و معتمد آن حضرت را زندانی کرد و در نهایت در سال ۲۶۰ ق. به شهادت رساند. طی شش سال امامت، امام (علیه السلام) دست کم دو بار زندانی شد و در دیگر اوقات نیز تحت مراقبت دائمی قرار داشت؛ وضعیتی که سبب شد ارتباط شیعیان با ایشان غالباً از پشت پرده یا از طریق نامه انجام گیرد و به گونه‌ای زمینه‌ساز پذیرش دوره غیبت گردد (ن. ک: جعفریان، ۱۳۸۱: ۵۴۶-۵۵۴). علت این شدت عمل، هم گسترش پایگاه‌های شیعی در شهرهایی چون کوفه، بغداد، قم، نیشابور، ری، یمن و آذربایجان بود (طبسی، ۱۳۷۴: ۲۲۲-۲۲۳) و هم آگاهی عباسیان از روایات مربوط به تولد مهدی موعود از نسل امام عسکری (علیه السلام) و پایان یافتن سلطه ستمگران به وسیله او (ن. ک: جعفریان، ۱۳۸۱: ۵۶۷-۵۶۹). از همین رو، آنان می‌کوشیدند با حذف اهل بیت (علیهم السلام) یا جلوگیری از تولد آن موعود الهی، از تحقق این وعده جلوگیری کنند، اما به تصریح امام، خداوند اراده کرده است که نور او تکامل یابد، حتی «ولو کره الکافرون» (حرعاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۵: ۱۹۷). این شرایط نشان می‌دهد که دوران امام عسکری (علیه السلام) یکی از سخت‌ترین دوره‌های فشار سیاسی، مراقبت امنیتی و تهدید مستمر برای امام (علیه السلام) و شیعیان بود.

۳. گونه‌شناسی روایات

پس از بررسی شرایط سیاسی عصر امام حسن عسکری (علیه السلام)، تحلیل روایات به جامانده از آن حضرت اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. بررسی این میراث روایی، نقش هدایتگری امام در حوزه‌های فقهی، تفسیری، اخلاقی، عبادی و کلامی را روشن می‌سازد. بر این اساس، روایات منسوب به ایشان در پنج دسته فقهی، کلامی، تفسیری، اخلاقی و نیز دعا و زیارت طبقه‌بندی شده و هر دسته به‌طور مستقل مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در تحلیل این روایات، تأثیر و بازتاب فضای فرهنگی و سیاسی عصر امام عسکری (علیه السلام) مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا بسیاری از آموزه‌های ایشان در پاسخ به بحران‌ها و چالش‌های فکری

عقیدتی زمانه ارائه شده‌اند.

۳-۱. روایات فقهی

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از احادیث امام حسن عسکری (علیه السلام) به مسائل فقهی و احکام شرعی اختصاص دارد و بیشتر ابواب فقهی را دربرمی‌گیرد. این تمرکز گسترده بر نقل روایات فقهی با فضای دینی و فرهنگی عصر امام عسکری (علیه السلام) همخوانی دارد. در آن دوره، تنوع و تعارض آرای فقهی و فعالیت جریان‌هایی چون اهل حدیث، معتزله، زیدیه و به‌ویژه غلات، چالش‌های جدی برای جامعه ایجاد کرده بود. غلات با ترویج اباحه‌گری، انکار شریعت و حتی جواز ازدواج با محارم، تهدیدی جدی برای جامعه اسلامی بودند (ن.ک: احمدی کچایی و ترابی میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۷-۴۸؛ فلاح‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۷-۴۸). در چنین فضایی، امام عسکری (علیه السلام) با تبیین معارف صحیح دینی و نشر احادیث فقهی، نقش مهمی در اصلاح فکری جامعه و تعدیل دیدگاه‌ها و نظرات افراطی فقهی ایفا کردند. در واقع، قوام هویت دینی جامعه به احکام و قوانین فقهی وابسته است و بدون رعایت آن، نمود عملی مسلمان بودن افراد شکل نمی‌گیرد.

به‌عنوان نمونه، اختلاف شیعیان و اهل سنت درباره احکام گوناگون، به‌ویژه در مسائلی مانند خمس، موجب مطرح شدن سوالات متعدد شده است. امام ضمن تأکید بر وجوب خمس و جایگاه آن، به‌صراحت درباره دامنۀ گسترده آن، فراتر از غنایم جنگی (که اعتقاد اهل سنت بود)، بیان کردند و شیوه مصرف آن (از جمله میان نیازمندان بنی‌هاشم) را روشن نمودند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۸۰-۵۸۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۰۹؛ برای اطلاعات بیشتر ن.ک: نجاتی، ۱۴۰۳: ۲۳۲-۲۵۴). همچنین، بخش مهمی از روایات فقهی امام (علیه السلام) متوجه نیازهای واقعی جامعه در حوزه عبادات، معاملات و روابط مدنی است. در حوزه عبادات و تکالیف روزمره، احادیثی درباره طهارت و اعمال عبادی نقل شده است که نشان‌دهندۀ توجه امام به آموزش صحیح احکام است (ن.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۶۰، ۲۸۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۳۱؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۱۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۶۳۵). می‌بینیم که احکام فردی مانند نماز، حج، روزه و طهارت به‌صورت مستمر توسط

امام نقل شده‌اند؛ زیرا آموزش و عمل به این احکام برای تمامی شیعیان ضروری بوده است و امام عسکری (علیه السلام) با نقل این روایات اهتمام ویژه‌ای به اشاعه فقه و رعایت تکالیف فردی داشتند. همچنین روایات فراوانی درباره معاملات، مالکیت، شهادت، ضمان و حدود املاک وجود دارد که نشان‌دهنده دغدغه امام برای تنظیم حیات اقتصادی، پیشگیری از نزاع‌های حقوقی و پاسداشت عدالت اجتماعی است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۱۲۵، ۲۹۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۳۶۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۸: ۸۵، ج ۲۵: ۴۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۶: ۲۴۶). در باب قضا و شهادت نیز قواعد دقیقی مانند حرمت فروش مال غیر و پذیرش شهادت وصی همراه با شاهد عادل تبیین شده است (ن.ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷: ۳۹۴، ۴۰۲؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۶۷، ۶۸، ۷۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۲۴۷، ۲۵۵، ۲۷۶-۲۷۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۷: ۴۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰: ۲۷۸). می‌توان گفت، روایات فقهی امام حسن عسکری (علیه السلام) افزون بر بیان احکام، با تأکید بر اخلاق، عدالت و طهارت عملی، زمینه صیانت از هویت دینی و اجتماعی شیعه را در آستانه عصر غیبت فراهم می‌سازند.

۲-۳. روایات کلامی

بی‌گمان، وجود فرق و مذاهب مختلف در جامعه اسلامی با باورهای متنوع و متکثر موجب شده است بخشی از احادیث منسوب به ائمه (علیهم السلام) پیرامون باورهای کلامی شکل گیرد. امام حسن عسکری (علیه السلام) نقش عمده‌ای در انتقال این روایات کلامی داشته‌اند. در میان این احادیث، دو موضوع توحید و امامت در مقایسه با دیگر مباحث برجسته‌تر است. بررسی این روایات امکان درک عمیق‌تر راهبرد اعتقادی امام (علیه السلام) در هدایت جامعه و صیانت از هویت شیعی را فراهم می‌سازد. این امر از طریق توجه همزمان به تأثیر فضای فکری و فرهنگی کلان بر نحوه نقل احادیث امام عسکری (علیه السلام) تحقق می‌یابد که در ادامه به تحلیل آن پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳. توحید

مباحث توحیدی از مهم‌ترین بخش‌های کلامی احادیث امام عسکری (علیه السلام) است. بخشی

از روایات ایشان به تبیین آموزه‌های توحیدی اختصاص دارد. بررسی فضای فکری و کلامی قرن سوم هجری نشان می‌دهد که عصر امام حسن عسکری (علیه السلام) دوره‌ای پرفراز و نشیب در تاریخ عقاید اسلامی بود؛ دوره‌ای که مسئله توحید در کانون مناقشات عمیق میان مکاتب مختلف قرار داشت و هر جریان با برداشت‌های خاص خود به تبیین یا تحریف این اصل اساسی می‌پرداخت.

یکی از مهم‌ترین جریان‌ها، تشبیه و تجسیم بود که در زمان امام عسکری (علیه السلام) حضوری فعال داشت. برخی متکلمان و راویان، خداوند را دارای اوصاف جسمانی همچون گوشت، خون و اعضا می‌دانستند (اشعری، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۱۲۸). اشعری این گروه را در شمار مشبّهه آورده و شهرستانی حشویه را از جمله کسانی می‌داند که علاوه بر پذیرش صفات جسمانی، رؤیت خداوند در دنیا و امکان زیارت او را جایز می‌شمردند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۲۰). این گرایش با حمایت «اهل حدیث» تقویت شد؛ گروهی که با هر گونه تأویل عقلی در اصول دین مخالفت می‌کردند و آن را بدعت می‌دانستند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۴). اهل حدیث در عصر امام عسکری (علیه السلام) به ترویج باورهایی چون رؤیت خدا، قدم یا حدوث قرآن و تجسیم اشتغال داشتند. پس از قدرت‌یابی متوکل عباسی، این جریان از حمایت سیاسی برخوردار شد و با گسترش ظاهرگرایی افراطی، عرصه را بر عقل‌گرایان و معتزله تنگ کرد؛ حمایتی که تا دوران امام عسکری (علیه السلام) نیز ادامه یافت (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۲۲۰). تکیه افراطی بر نقل، زمینه جعل حدیث را فراهم ساخت و جامعه اسلامی، از جمله شیعیان را در معرض گمراهی قرار داد. در برابر این وضعیت، امام حسن عسکری (علیه السلام) با اتخاذ رویکردی روشن‌گرانه، ضمن پاسخ‌گویی روایی به باورهای نادرست اهل حدیث، بر جایگاه عقل در فهم معارف دینی تأکید کردند و توازنی معقول میان عقل و نقل ارائه دادند. آن حضرت با فراخواندن پیروان به تفکر، عقل‌گرایی دینی را تقویت نمودند؛ چنان‌که فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ حَيَاةٌ قَلْبِ الْبَصِيرِ وَمَقَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۲۹۷). این رویکرد پاسخی صریح به ظاهرگرایی افراطی بود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

جریان دوم، گرایش «معطله» یا نفی صفات الهی بود که هرگونه شناخت صفات خداوند را ناممکن می‌دانست. گروه‌هایی مانند «مریسیه» به رهبری بشر بن غیاث مریسی چنین

دیدگاهی را ترویج می‌کردند (دارمی سجستانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۴-۵۵؛ بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۴). اختلاف درباره علم ازلی الهی و امکان علم خدا به اشیا پیش از خلق نیز از دیگر مباحث این جریان بود (اشعری، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۴۸). سومین جریان، «ثنویت» بود که با باور به دو مبدأ ازلی نور و ظلمت، خیر و شر را به خالقانی مستقل نسبت می‌داد (باقلائی، ۱۳۶۶ق: ۶۰، ۶۷-۶۹؛ قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵م، ج ۱: ۱۰؛ بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۳۵۶، ۳۲۸). این گروه گاه در شمار مجوس دانسته شده‌اند (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۱۷۸).

در چنین فضای پرتنش، امام حسن عسکری (علیه السلام) با تبیین توحید ناب، نفی تشبیه و تعطیل، تثبیت صفات کمال و تأکید بر عقل، مسیر صحیح اعتقادی را برای جامعه شیعه روشن ساختند. در ادامه، با ارائه نمونه‌هایی از احادیث توحیدی امام (علیه السلام)، تلاش ایشان برای پاسداری از توحید ناب، مقابله با مفاهیم نامتناسب با تنزیه الهی و پاسخ به جریان‌های انحرافی معاصرشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مسئله رؤیت خداوند نیز امام (علیه السلام) با نفی رؤیت حسی، رؤیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را شهود قلبی دانسته و آن را در چارچوب تنزیه تبیین می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۹۵). افزون بر این، روایاتی در اثبات صفات پیشین الهی، مانند علم و قدرت ذاتی، نقل شده که پاسخی به جریان معطله به‌شمار می‌رود^۱ (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق: ۵۶۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق (الف): ۴۳۰-۴۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۰۷-۱۰۸). همچنین روایت گفت‌وگوی امام با محمد بن ربیع شیبانی، با تأکید بر یگانگی خداوند، در تقابل با اندیشه ثنویت نقل شده است (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۴۴۵؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۴۲۵).

همچنین در پاسخ به گزارش اختلافات پیرامون جسمانیت خداوند، امام (علیه السلام) با تصریح به وحدانیت الهی، خداوند را خالق جسم و صورت، اما منزّه از جسمانیت و صورت معرفی

۱. «به آن حضرت نوشتیم و پرسیدیم که موالیان شما در مورد علم اختلاف کرده‌اند: برخی گفتند: خداوند ازلی است در حالی که به اشیا علم داشته است، و برخی گفتند: ما نمی‌گوییم خداوند ازلی است در حالی که عالم بوده، زیرا معنای «بی‌داند» این است که (چیزی را) انجام می‌دهد، پس اگر علم را ثابت کنیم در ازل چیزی را با او ثابت کرده‌ایم، پس اگر صلاح دیدی که در این مورد چیزی به من بیاموزی که بر آن بایستیم و از آن تجاوز نکنیم، و حضرت با خط خود نوشت: خداوند همواره عالم بوده است تبارک و تعالی ذکره» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۰۷-۱۰۸).

کردند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۰۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۰۱-۱۰۲)، بیانی روشن در ردّ مشبّهه و مجسمه. در مسئله رؤیت خداوند، امام (علیه السلام) با نفی رؤیت حسی، رؤیت پیامبر (علیه السلام) را شهود قلبی دانسته و آن را در چارچوب تنزیه تبیین کردند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۹۵). در بخش قابل توجهی از احادیث، بر تنزیه مطلق الهی و نفی مشابهت میان خالق و مخلوق تأکید شده است؛ چنان که امام در پاسخ به ابراهیم بن محمد همدانی فرمودند: «سبحان من لا یحد ولا یوصف» که نفی صریح تحدید و توصیف پذیری ذات الهی است (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۰۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۰۲). در مجموع، این روایات توحیدی امام حسن عسکری (علیه السلام) نشان دهنده تلاش نظام مند ایشان برای تبیین مرزهای صحیح توحید، مقابله با تشبیه، تعطیل صفات و الحاد و پاسداری از سلامت اعتقادی جامعه شیعه در سطح نظری و اجتماعی است.

۳-۲-۲. امامت

مطالعه روایات امام حسن عسکری (علیه السلام) نشان می دهد که عصر امامت ایشان یکی از بحرانی ترین مقاطع تاریخ تشیع در حوزه امامت بوده است. خود امام (علیه السلام) با تصریح به گسترش تردیدها و اختلافات درونی شیعه می فرماید: «هیچ یک از پدرانم دچار آنچه من از شک این گروه نسبت به خود گرفتار آن شده ام، نشده اند» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۲۲۲؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۱۳۴-۱۳۵). این سخن، شدت بحران امامت در جامعه عصر امام عسکری (علیه السلام) را آشکار می سازد. در مقابل این بحران ها، امام یازدهم (علیه السلام) به طرق مختلف به اثبات حقانیت امامت ائمه (علیهم السلام) و تبیین جایگاه الهی آن پرداختند. این احادیث نقاط ضعف و اشتباه دیدگاه های فرقه های معاصر را بازتاب می دهد. در ادامه، با اشاره به اوضاع فکری و عقیدتی جامعه و نمونه هایی از احادیث، تحلیل و واکاوی روایات امامت امام عسکری (علیه السلام) ارائه می شود.

۱. اصل حدیث چنین است: «... به ابو محمد (علیه السلام) نوشتم. ای آقای من! اصحاب ما در مورد توحید اختلاف کرده اند... و حضرت با خط خود برایم نوشت: درباره توحید پرسیدی و این (سخن) از شما دور است، خدا یکی است احد، نه زاده شده و نه زاده شده و هیچ همتایی برای او نبوده است، آفریننده است و مخلوق نیست، تبارک و تعالی هر چه را از اجسام و غیر آن بخواند می آفریند و خود جسم نیست، و هر چه را بخواند صورتگری می کند و خود صورت نیست، ستایشش بلند و نامهایش مقدس است از اینکه مانند داشته باشد، او است و غیر او نیست، «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۰۳).

یکی از محورهای اصلی روایات امام (علیه السلام)، تأکید بر «نصّ و وصایت الهی» در برابر دیدگاه‌های انتخابی امامت است. مسئله خلافت و تعیین امام، از مباحث بنیادین و دیرپای کلامی سیاسی در تاریخ اسلام بوده است. شیعه امامیه به نصّ و وصایت الهی و تعیین امامان اهل بیت (علیهم السلام) باور داشت، در حالی که اکثریت اهل سنت و خوارج امامت را نهادی انتخابی می‌دانستند و مشروعیت آن را ناشی از اجماع یا شورا تلقی می‌کردند. این دیدگاه در سده‌های دوم و سوم هجری میان محدثان و اهل حدیث رواج یافت (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ ق، ج ۳: ۲-۳؛ ابوعوانه، ۱۴۱۹ ق، ج ۳: ۴۷۵؛ کرون، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۵، ۱۲۷-۱۲۹؛ ولوی، ۱۴۰۰: ۲۸۸-۲۹۱، ۳۱۳-۳۱۴؛ صداقت‌ثمر حسینی، ۱۳۹۳: ۷۹-۹۷).

دیدگاه زیدیه نیز در این زمینه متفاوت بود. هر چند آنان به نصّ بر امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حسنین (علیهم السلام) پایبند بودند، اما پس از آن، امامت را امری انتخابی می‌دانستند و هر فرد فاطمی که قیام مسلحانه و دعوت به خود می‌کرد، شایسته امامت می‌پنداشتند (کرون، ۱۳۸۹: ۱۸۲-۱۸۸؛ صابری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۸۶-۸۸؛ سلطانی، ۱۳۹۲: ۲۱۹-۲۴۶). این رویارویی میان دو دیدگاه ریشه‌دار «امامت انتصابی» و «امامت انتخابی» از مهم‌ترین محورهای جدال‌های اعتقادی مسلمانان در طول قرون بود. اختلاف شیعه و معتزله در مسئله امامت نیز برجسته بود. شیعه امامت را ریاست عامه با جنبه الهی می‌دانست (سیدمرتضی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۲۶۴)، در حالی که معتزله آن را امری فرعی می‌شمردند و انتخاب امام را به مردم واگذار می‌کردند (سالم، ۱۴۱۰ ق: ۸۶) و شروطی مانند عصمت و نصّ را نمی‌پذیرفتند (ابن المرتضی، ج ۴: ۵۱۸؛ عمرجی، ۲۰۰۰ م: ۸۶). از این رو، امام عسکری (علیه السلام) با نقل روایات، در تثبیت نگرش صحیح به امامت نقش اساسی ایفا کردند. در چنین شرایطی، امام عسکری (علیه السلام) وظیفه داشت حقیقت امامت را بدون تهدید امنیت شیعیان تبیین کند؛ بنابراین بسیاری از آموزه‌های امامت را به صورت غیرمستقیم و در قالب روایت، دعا و تفسیر قرآن بیان کردند؛ زیرا فهم صحیح دین، اخلاق و فقه بدون شناخت مقام امام، عصمت و علم الهی او ممکن نبود.

در برابر دیدگاه‌های انتخابی امامت، امام حسن عسکری (علیه السلام) به نصب الهی امامان و تعیین آنان از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) تصریح و تعداد امامان را ۱۲ نفر معرفی می‌کنند (ابن طاووس،

۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۱۴؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۰۵-۴۰۶). در تفسیر آیه «وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ»، امام بر سه بُعد اصلی تأکید می‌کنند: تصدیق نبوت پیامبر، اثبات وصایت و امامت حضرت علی (علیه السلام)، و کفر کسانی که در این دو اصل تردید کنند؛ بدین سان، پذیرش رسالت و امامت معیار ایمان و کفر معرفی می‌شود (منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ق: ۴۵۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۹۱). این روایات پاسخی روشن به جریان خلافت انتخابی و تأکید بر نصّ به عنوان مبنای مشروعیت امامت است (برای نمونه‌های بیشتر ن.ک: منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ق: ۳۱۹-۳۲۰، ۵۸۱، ۶۲۶-۶۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۴۲).

افزون بر این، امام عسکری (علیه السلام) در برابر این جریان‌ها که استمرار یا ضرورت اعتقادی امامت را نیز انکار می‌کردند، بر ضرورت وجود «حجت الهی» و استمرار امامت در همه اعصار تأکید کردند. ایشان تصریح کردند که زمین هرگز از حجت خدا خالی نمی‌ماند و امام واسطه هدایت الهی است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۱: ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۳: ۳۸). در حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»، شناخت امام شرط ایمان صحیح معرفی می‌شود (خزاززی، ۱۴۰۱ ق: ۲۹۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۴۰۹؛ طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۲۵۳).

امام حسن عسکری (علیه السلام) همچنین بر جایگاه هدایتی امام، نقش معنوی ایشان و برخورداری امام از علم الهی و دانش ویژه تأکید کرده‌اند. این تأکید پاسخی به جریان‌هایی بود که به امام به عنوان رهبر سیاسی صرفاً نگاه می‌کردند و علم و عصمت را شرط نمی‌دانستند، از جمله اهل سنت، خوارج و زیدیه (کرون، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۹۵؛ سلطانی، ۱۳۹۲: ۲۱۹-۲۴۶). در مقابل، امام عسکری (علیه السلام) امامان را به عنوان سرچشمه نور، مجرای فیض الهی، «اعلام هدایت» و «عروة الوثقی» معرفی می‌کنند؛ چنان که می‌فرمایند: «ما چراغ‌های هدایت و دستگیره استواریم» (حافظ‌برسی، ۱۴۲۲ ق: ۷۳-۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۶: ۲۶۴-۲۶۵). روایات تفسیری نیز نشان می‌دهد که همه پیامبران و امت‌ها به ولایت پیامبر، امیرالمؤمنین و امامان پس از او هدایت شده‌اند (منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ق: ۲۵۳-۲۵۴؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۱۳-۲۱۷). همراهی روح القدس

با امامان نیز مسیر هدایت آنان را تأیید می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۴۲۹؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۵: ۲۹۴-۲۹۵).

امام عسکری (علیه السلام) با تفسیر آیات قرآن، «درخت علم» را علم اختصاصی پیامبر و اهل بیت معرفی می‌کند (منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ق: ۲۲۱-۲۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱: ۱۸۹) و تصریح می‌نماید که حجت الهی با علمی ویژه، از جمله آگاهی از انساب، اجل‌ها و حوادث شناخته می‌شود؛ دانشی که بدون آن، تمایز امام از دیگران از میان می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۵۰۹؛ مسعودی، ۱۴۲۶ ق: ۲۵۱). این تأکید، پاسخی به اهل حدیث، خوارج، زیدیه و معتزله است.

افزون بر این، امام عسکری (علیه السلام) در روایات مختلف به اثبات امامت و افضلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرداختند. در روایات تفسیری متعدد، ولایت علی (علیه السلام) معیار حق و باطل و شرط کمال دین معرفی شده است (حسن بن علی، ۱۴۰۹ ق: ۶۳، ۲۳۱، ۳۷۶، ۵۸۱، ۶۲۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷: ۳۰۸). این روایات پاسخی روشن به جریان‌های ناصبی است که انکار فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در پیش گرفته بودند. در واقع، اصطلاح «نصب» در منابع حدیثی و کلامی به معنای دشمنی و کینه‌ورزی نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کار می‌رود (حقی بروسوی، ج ۱۰: ۴۶۴) و «ناصبی» به کسی گفته می‌شود که با نکوهش و مذمت امام علی (علیه السلام)، آن حضرت را مورد سرزنش قرار دهد (ن.ک: ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۷: ۳۷۰؛ شهیدثانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۵۷؛ خویی، ج ۳: ۶۹).

بخشی دیگر از روایات امام عسکری (علیه السلام) به تبیین جایگاه ولایت اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص دارد و با جریان‌های غلو مقابله می‌کند که تهدیدی جدی برای هویت اعتقادی تشیع بودند. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که از سده دوم هجری، در میان برخی منسوبان به اهل بیت (علیهم السلام) گرایش‌هایی چون غلو پدید آمد که در دو شاخه «قائلان به الوهیت ائمه» و «مفوضه» ظهور یافت. این گروه‌ها با ترویج اباحه‌گری، انکار شریعت و برجسته‌سازی جنبه‌های ماورائی امامت، به تضعیف مرزهای توحید و امامت پرداختند و تهدیدی جدی

برای جامعه اسلامی بودند (ن.ک: احمدی کچایی و ترابی میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۷-۴۸؛ فلاح زاده، ۱۴۰۱: ۲۷-۴۸). امام عسکری (علیه السلام) با آگاهی از خطر این باورها، از طریق نامه‌ها و اعلام برائت، شیعیان را از پیروی آنان باز می‌داشت (ن.ک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۶-۵۲۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۳۸). از چهره‌های شاخص غلو در این عصر می‌توان فارس بن حاتم قزوینی، حسن بن محمد بن بابای قمی، علی بن حسکه و محمد بن نصیر نمیری را نام برد که با ادعای وکالت و نشر عقاید انحرافی، موجب ایجاد تردید در امامت می‌شدند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۶-۵۲۸). امام عسکری (علیه السلام) با تکذیب صریح آنان، مرزهای روشن توحید و امامت را تبیین کرد^۱ (ن.ک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۳۹-۵۴۱). شایان ذکر است که، شیعیان امامی میانه‌رو، آل محمد را اولیای مقرب الهی می‌دانستند و پذیرش امامت و ولایت اهل بیت را تکلیف الهی می‌شمردند (جباران، ۱۳۸۲: ۷۰-۷۱).

در روایات امام حسن عسکری (علیه السلام)، تأکید فراوانی بر پیوند عمیق میان آیات قرآن و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) دیده می‌شود، که بیانگر اهمیت ویژه ایشان به جایگاه ولایت اهل بیت در کلام وحی است (ن.ک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۷۵-۵۸۰). این احادیث، ضمن تبیین نقش و ویژگی‌های ولایت، آثار و ثمرات پذیرش آن را نیز روشن می‌سازند. بر اساس این روایات، پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم السلام) شرط قبولی اعمال، وسیله خروج از ظلمت، موجب طهارت قلب مؤمن، همراهی و معیت با پیامبر ﷺ، سلامت از شدائد حساب و کاهش ترس از روز قیامت است. از سوی دیگر، ترک ولایت ائمه (علیهم السلام) با پیامدهایی جدی همراه است؛ از جمله هلاکت انسان، عدم قبول اعمال و چشیدن عذاب دردناک الهی در قیامت (ن.ک: منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ۱۴۰۹ق: ۲۳۹-۲۴۰، ۵۸۴-۵۸۵؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۳۹-۵۴۱).

۱. امام (علیه السلام) در مقابل ادعاهای غالیان نیشابور فرمودند: «دروغ گفتند، خدا آنان را لعنت کند و به دروغ گناهی بزرگ مرتکب شدند. و در آنجا شیخی است که به او فضل بن شاذان می‌گویند، که با آنان در این چیزها مخالفت می‌کند و بیشتر آن‌ها را انکار می‌کند و قول او گواهی دادن به اینکه هیچ معبودی به حق جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده خداست و اینکه خداوند عزوجل در آسمان هفتم، بالاتر از عرش است، همان‌گونه که خودش عزوجل خود را توصیف کرده است و اینکه او جسم نیست، پس او را برخلاف مخلوقات در تمام معانی توصیف کنید، چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بی‌نا و از قول اوست که: پیامبر ص به راستی کمال دین را آورد و آنچه خداوند عزوجل او را به آن فرمان داده بود، رساند و در راهش جهاد کرد و او را عبادت کرد تا زمانی که بقی (مرگ) به سراغش آمد، و اینکه او ص پس از خود، مردی را به جای خود قرار داد و از علمی که خدا به او وحی کرده بود، به آن مرد آموخت، تا آن مردی که نزدش است، از علم حلال و حرام و تأویل کتاب و فصل خطاب آگاه باشد، و همچنین در هر زمانی باید یک نفر از کسانی باشد که این را می‌داند و این میراثی از رسول الله ﷺ است که آن را به ارث می‌برند...» (ن.ک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۳۹-۵۴۱).

۵۷۵-۵۸۰). امام عسکری (علیه السلام) شرط ایمان را نیز شناخت ولایت اهل بیت (علیهم السلام) می‌داند: «هر کس آنان (اهل بیت) را بشناسد، خدا را شناخته و هر کس آنان را انکار کند، خدا را انکار کرده باشد و کسی مؤمن نخواهد بود مگر آنکه به ولایت آنان تصدیق کند و به معرفتشان یقین داشته باشد» (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ ق: ۵۶۷؛ اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲: ۴۲۰). در مجموع، احادیث امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره امامت، راهبردی سنجیده برای صیانت از اندیشه امامت در اوج فشار سیاسی و بحران اعتقادی ارائه می‌دهد؛ راهبردی که ضمن تثبیت مبانی کلامی تشیع، جامعه شیعه را برای ورود به عصر غیبت آماده می‌سازد. تأکید گسترده امام (علیه السلام) بر غیبت امام دوازدهم (علیه السلام) و تبیین ویژگی‌ها و نقش تاریخی ایشان، بخش مهم دیگری از این آموزه‌هاست که در ادامه مقاله به‌طور مستقل بررسی خواهد شد.

۳-۲-۱. احادیث مهدویت

روایات امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره مهدویت بازتاب‌دهنده شرایط پیچیده سیاسی و اعتقادی عصر ایشان و نقش تعیین‌کننده ایشان در آماده‌سازی جامعه شیعه برای ورود به عصر غیبت است. امام یازدهم (علیه السلام) علت خصومت شدید حکومت‌های اموی و عباسی با اهل بیت (علیهم السلام) را از یک سو آگاهی آنان از نامشروع بودن خلافت و بیم از بازگشت خلافت به جایگاه حقیقی‌اش و از سوی دیگر اطلاع از روایات مربوط به نابودی حکومت‌های ستمگر به دست قائم آل محمد (علیه السلام) می‌دانستند و تلاش حکومت‌ها برای جلوگیری از تحقق این وعده الهی از طریق قطع نسل پیامبر را یادآور می‌شدند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۴۰۷؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۵: ۱۹۷). با این حال، اراده الهی بر بقای نسل پیامبر تعلق گرفت و نقشه‌های دشمنان ناکام ماند.

با وجود مراقبت‌های شدید حکومتی، ولادت امام مهدی (علیه السلام) در سال ۲۵۶ هجری تحقق یافت و استمرار امامت آشکار شد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۲۹). امام عسکری (علیه السلام) همچنین از بحران اعتقادی پس از شهادت خود خبر داد و پیش‌بینی کرد که در سال ۲۶۰ هجری گروه‌هایی از شیعیان دچار تردید و اختلاف خواهند شد؛ برخی به جعفر کذاب گرایش می‌یابند و تنها گروه اندکی بر حق باقی می‌مانند (حر عاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۵: ۱۹؛

ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۴۰۸). این پیش‌بینی نشان‌دهنده آگاهی امام از آینده و ضرورت برنامه‌ریزی برای حفظ انسجام شیعه است.

برای پیشگیری از بحران امامت، امام حسن عسکری (علیه السلام) ولادت فرزندش را به اصحاب مورد اعتماد اعلام و بر لزوم پنهان نگه‌داشتن این راز به دلیل خطر جانی تأکید کردند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۴۳۴). پیش از ولادت نیز در روایات متعدد به ظهور فرزندی بشارت داده بود که زمین را پس از ظلم، سرشار از عدل خواهد کرد راوندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۴۷۸؛ خزاززی، ۱۴۰۱: ۲۹۵). سه روز پس از تولد، امام (علیه السلام) فرزندش را به‌خواس نشان داد و او را قائم پس از خود معرفی کردند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۴۳۱).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اعتقادی عصر امام عسکری (علیه السلام)، تبیین صحیح آموزه مهدویت و مقابله با برداشت‌های نادرست و جریان‌های انحرافی درون جامعه شیعه بود. بررسی تحولات سده‌های دوم و سوم هجری نشان می‌دهد که فرقه‌ها و گرایش‌های متعددی با برداشت‌های متفاوت از مهدویت پدید آمدند و بخش قابل توجهی از روایات امام عسکری (علیه السلام) در پاسخ به همین انحرافات و با هدف روشننگری اعتقادی صادر شده است.

از جمله کهن‌ترین این جریان‌ها، کیسانیه بودند که به مهدویت محمدبن حنفیه باور داشتند و فعالیت آنان تا نیمه قرن سوم هجری، به ویژه در عراق و کوفه، ادامه داشت (اشعری، ۱۳۷۱: ۱۹۰-۱۹۱؛ کرون، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۵۰؛ ولوی، ۱۴۰۰: ۱۰۳-۱۲۴؛ صابری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۵-۴۷؛ فرمانیان، ۱۳۸۷: ۳۸). زیدیه نیز با باور به مهدویت نفس‌زکیه یا محمدبن قاسم و سپس اعتقاد به ظهور مهدی از نسل امام حسن مجتبی (علیه السلام)، نقش مهمی در گسترش این مناقشات داشتند (صابری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۰-۷۱، ۸۸، ۹۷؛ جعفریان، ۱۳۹۱: ۶۷، ۸۰؛ سلامی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰-۴۰). پس از شهادت امام صادق (علیه السلام)، فرقه‌هایی چون ناووسیه، اسماعیلیه نخستین و فطحیه با تفسیرهای متفاوت از مهدویت شکل گرفتند و برخی از آنان این باورها را تا اواخر قرن سوم هجری حفظ کردند (صابری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۰۱-۳۰۲، ۳۰۵-۳۰۷؛ ولوی، ۱۴۰۰: ۱۷۱-۱۷۲؛ دفتری، ۱۳۸۶: ۱۶۲؛

(زینب امیدیان)

فرمانیان، ۱۳۸۷: ۱۱۳؛ نوبختی، ۱۳۵۵: ۷۷-۹۹؛ روحی، ۱۳۹۵: ۶۹-۸۷). در این میان، واقفیه با انکار امامت امام رضا (علیه السلام) و امامان پس از وی، از جدی‌ترین چالش‌های عصر امام عسکری (علیه السلام) بودند (حسین زاده‌شانه‌چی، ۱۳۸۴: ۴۹-۷۸؛ صابری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۰۲-۳۰۵؛ ولوی، ۱۴۰۰: ۱۷۹-۱۸۰). امام عسکری (علیه السلام) با موضع‌گیری قاطع و حتی منع برخی تعاملات اجتماعی با آنان، مرز اعتقادی روشنی ترسیم کردند (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱: ۴۵۲؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲: ۴۲۹-۴۳۰)، هرچند اصل همگرایی اجتماعی در سیره ائمه (علیهم السلام) محفوظ بود (حرّانی، ۱۳۹۷: ۳۶۷). همچنین نگارش ردیه‌هایی چون الردّ علی الواقفه نشان‌دهنده جدیت امامیه در مقابله فکری با این جریان‌هاست (نجاشی، ۱۳۶۵: ق: ۴۲).

از منظر کلامی، امام عسکری (علیه السلام) ویژگی‌های بنیادین امام مهدی (علیه السلام) را تبیین کردند؛ از جمله شباهت کامل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خلق و خُلق، هم‌نام و هم‌کنیه بودن با آن حضرت، آخرین حجت الهی و پایان بخش خلافت الهی بر زمین (خزازازی، ۱۴۰۱: ۲۹۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ق: ۲۷۳؛ حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۵: ۱۹۶). همچنین ویژگی‌های اختصاصی قائم (علیه السلام) و نشانه‌های دقیق شناسایی جانشین حقیقی پس از شهادت خود را بیان کردند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ق: ۲: ۴۳۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ق: ۴۷۵؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲: ۹۶۴) که تحقق آن‌ها حجت را بر همگان تمام ساخت.

برای آغاز عصر غیبت، امام عسکری (علیه السلام) ساختاری عملی و منسجم طراحی کرد. ایشان عثمان بن سعید عمری را به‌عنوان وکیل و معتمد خود معرفی و سخن او را حجت دانست (طوسی، ۱۴۱۱: ق: ۳۵۶)، سپس محمد بن عثمان را به‌عنوان وکیل امام مهدی (علیه السلام) معرفی کرد و بدین‌سان نظام نیابت وکالتی را بنیان نهاد که اساس غیبت صغری شد (طوسی، ۱۴۱۱: ق: ۳۵۶-۳۵۷).

امام عسکری (علیه السلام) در روایات خود، هم شخصیت امام زمان (علیه السلام) را تبیین هم شرایط دوران غیبت و هم ویژگی‌های عصر ظهور را تشریح می‌کنند. ایشان به معرفی مصداق امام بعد از خود و تعیین ویژگی‌های شخصیتی قائم (علیه السلام) با هدف انسجام درونی جامعه شیعی و آماده‌سازی حداکثری برای آغاز عصر غیبت پرداختند. این تبیین، انگیزه شیعیان را برای

ثبات و پایداری در زمان عدم دسترسی به امامت افزایش می‌داد. امام عسکری (علیه السلام) در روایتی شخصیت قائم (علیه السلام) را با خضر و ذوالقرنین مقایسه می‌کنند و می‌فرمایند: «او در طول غیبت زنده خواهد بود و در موسم حج حاضر می‌شود و دعای مؤمنان را مستجاب می‌سازد» (شامی، ۱۴۲۰ ق: ۷۵۹). همچنین درباره طول عمر و غیبت امام مهدی (علیه السلام) می‌فرمایند: «که تنها کسانی به اعتقاد ثابت می‌مانند که خداوند ایمان را در دل‌های شان ثبت کرده است» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۵۲۴).

تبیین شرایط دوران غیبت و مخاطرات آن نیز از اهداف امام عسکری (علیه السلام) بود تا سرگردانی و آسیب‌های اعتقادی کاهش یابد. ایشان هشدار می‌دهند که در طول غیبت جاهلان و فرصت‌طلبان دچار خطا می‌شوند، اما قیام قائم به برقراری عدل و رفع ظلم منجر خواهد شد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۴۰۹). امام عسکری (علیه السلام) همچنین عصر ظهور را عصر غلبه عدل و داد بر ظلم و بیداد معرفی و بشارت امید و انتظار برای شیعیان را تقویت می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۵۰۹؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۴۳۱).

در روایات امام حسن عسکری (علیه السلام)، جایگاه عالمان دین در عصر غیبت به روشنی تبیین شده است. ایشان شیعیانی را که از دسترسی مستقیم به امام محروم‌اند، به «یتیمان» تشبیه می‌کنند و عالم دینی را کسی می‌دانند که با آموزش معارف، رفع شبهات و دفاع از حق اهل بیت (علیهم السلام) این یتیمان معنوی را از جهل و سرگردانی نجات می‌دهد (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۱۶). امام (علیه السلام) برای چنین عالمی پاداشی عظیم برمی‌شمارد؛ از جمله تاج‌هایی از نور، قصرهای فراوان، شفاعت گسترده و مقامی برتر از هزار عابد. در مقابل، عبادت فردی هرچند ارزشمند، محدود به شخص است، در حالی که اثر هدایت علمی عالم، گسترده و ماندگار است؛ از این‌رو، هدایت یک انسان نادان برتر از اطعام هزار یتیم یا انجام عبادات و صدقات فراوان معرفی شده است. همچنین عالمان شیعه به‌عنوان پاسداران مرزهای فکری و اعتقادی شناسانده می‌شوند که با مقابله با نفوذ شیطان و دشمنان دین، از هویت اعتقادی جامعه صیانت می‌کنند و یاری‌رساندن به شیعیان ناتوان را عملی شایسته پاداشی بی‌کران می‌دانند (ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۱۶-۲۰). در مجموع، روایات مهدوی امام حسن عسکری (علیه السلام) افزون بر تبیین ویژگی‌ها و جایگاه امام

مهدی (علیه السلام)، نقشه‌ای راهبردی برای عبور جامعه شیعه از مرحله حساس انتقال به عصر غیبت ارائه می‌دهد.

۳-۳. روایات تفسیری

روایات تفسیری امام حسن عسکری (علیه السلام) تصویری روشن از شیوه مواجهه ایشان با چالش‌های اعتقادی عصر عباسی ارائه می‌دهد. این روایات که در شرایط فشار سیاسی و محدودیت ارتباطی صادر شده‌اند، تنها به بیان معانی ظاهری آیات محدود نمی‌شوند، بلکه کارکردی راهبردی در حفظ هویت اعتقادی شیعه، پاسخ‌گویی به شبهات و هدایت فکری جامعه دارند. بسیاری از این روایات پاسخی به جریان‌های انحرافی زمانه‌اند که در تحلیل روایات قبلی امام عسکری (علیه السلام) به آن پرداخته شد. در ادامه، ابتدا به دیگر مسائل و چالش‌هایی که علاوه بر موارد پیشین باعث صدور برخی احادیث تفسیری از سوی امام یازدهم (علیه السلام) شد، پرداخته می‌شود و سپس نمونه‌هایی از روایات تفسیری مرتبط با این چالش‌ها ذکر خواهد شد.

یکی از این چالش‌ها، جریان معتزله است. معتزله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های عقل‌گرای کلامی، با طرح مباحثی چون ماهیت کلام خدا و مسئله امامت، نقش مؤثری در فضای فکری عصر امام عسکری (علیه السلام) داشتند. این جریان، با وجود افول سیاسی، همچنان فعال بود و آثاری چون تناقضات القرآن اثر اسحاق کنندی محصول همین فعالیت‌ها بود؛ اثری که نهایتاً با هدایت علمی امام عسکری (علیه السلام) مورد نقد و اصلاح قرار گرفت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۴۲۴).

در سده سوم هجری، مناقشه «خلق یا قدم قرآن» به چالشی فراگیر تبدیل شد؛ بحثی که ریشه در اواخر عصر اموی داشت و در دوره مأمون با فشار حکومتی و محنه به اوج رسید (طبری، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۲۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲، ج ۶: ۴۲۳). هرچند متوکل این سیاست را پایان داد، اما با حمایت از اهل حدیث، فضای فکری را علیه معتزله و شیعه تغییر داد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۰: ۲۱۴). ائمه پیش از امام عسکری (علیه السلام) از ورود به این مناقشات نهی و قرآن را «کلام الله» معرفی کرده بودند (ابن بابویه: ۲۲۳-۲۲۴؛ ابن بابویه:

۴۳۸). امام عسکری (علیه السلام) نیز این مباحث را فتنه‌ای بی‌ثمر دانسته و تأکید کردند که جز خدا مخلوقی وجود ندارد و قرآن کلام الهی است (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۱۰۱؛ راوندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۶۷۸).

چالش دیگر، مسئله تحریف قرآن بود که توسط برخی غالیان مطرح شد و در قرن سوم هجری دستاویزی علیه شیعه گردید. ائمه (علیهم السلام) با رد این ادعا بر اصالت قرآن تأکید داشتند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۵۱۶). غالیان با تأویل‌گرایی افراطی و ادعای وجود سوره‌های حذف‌شده در مصحف امام علی (علیه السلام) و مصحف حضرت فاطمه (علیها السلام)، فشار سایر فرق اسلامی بر امامیه را افزایش دادند (هدایت‌پناه، ۱۳۹۶: ۲۲۶؛ فلاح‌زاده، ۱۴۰۱: ۳۷). از این‌رو، تفسیر قرآن در کلام امام یازدهم (علیه السلام) ابزاری مؤثر برای سامان‌دهی گفتمان دینی و مقابله با قرائت‌های انحرافی به‌شمار می‌آید. برای درک بهتر این نقش، به چند نمونه تفسیری از سوی امام عسکری (علیه السلام) اشاره می‌کنیم:

امام حسن عسکری (علیه السلام) در مواجهه با تفسیرهای نادرست یهودیان از حروف مقطعه، با استناد به مناظره امیرالمؤمنین (علیه السلام)، این حروف را از اسرار الهی و نشانه‌های اعجاز قرآن دانسته و تأکید کردند که تفسیر حقیقی آن‌ها تنها نزد اهل بیت (علیهم السلام) است. همچنین، تفسیر آیه «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَارْتِبَ فِيهِ» بر حقانیت قرآن، نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامت امام علی (علیه السلام) و ضرورت رجوع به مفسران واقعی قرآن دلالت دارد (منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ق: ۶۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۲۴-۲۶؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۶-۱۲۷).

در تبیین مفاهیم توحیدی، به‌ویژه در تفسیر «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»، امام با تأکید بر ربوبیت قائم به ذات الهی، با گرایش‌های جبر، تشبیه و تجسیم مقابله کرده و از اصالت خداشناسی توحیدی دفاع می‌کنند (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۱؛ مسعودی، ۱۴۲۶ ق: ۲۵۰؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۸۷؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۲۳۱-۲۳۲). در تفسیر «اهدنا الصراط المستقیم»، صراط دنیوی به‌عنوان راه اعتدال، دور از افراط غالیان و تفریط معطله معرفی شده و پیروی از ائمه (علیهم السلام) راه نجات دانسته شده است (منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ق: ۴۴-۴۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۳۳-۳۵). تفسیر «انعمت علیهم»، نعمت حقیقی را

جامعه شیعه را دچار اختلاف و سردرگمی می کردند. تأکید امام بر فضایل اخلاقی و دوری از رذایل، به عنوان ابزاری برای حفظ وحدت و اصالت شیعه عمل می کرد. همچنین جلوگیری از فساد اخلاقی ناشی از فشار سیاسی از دیگر دلایل نقل احادیث اخلاقی توسط امام عسکری (علیه السلام) است. چرا که اختناق عباسی باعث افزایش خشونت، رذایل فردی و بی اعتمادی اجتماعی می شد. روایات اخلاقی امام، پاسخی به این شرایط و تلاشی برای حفظ سلامت روحی و اجتماعی شیعیان بودند. همچنین حفظ انسجام و آمادگی اجتماعی شیعه از دیگر دلایل نقل احادیث اخلاقی توسط امام عسکری (علیه السلام) است. توصیه به مدارا با مخالفان، پرهیز از نزاع و رعایت عدالت، اقداماتی استراتژیک برای مقابله با حکومت و تضعیف نفوذ دشمنان در جامعه شیعیان بود. افزون بر این، تربیت انسان کامل و جامعه ایمانی از دیگر عوامل توجه امام (علیه السلام) به احادیث اخلاقی است. امام با آموزش اخلاق و فضایل فردی، درصدد تربیت انسان های متعادل و آماده برای نقش آفرینی در عصر غیبت و هدایت جامعه بودند.

در این روایات، امام عسکری (علیه السلام) نسبت به رذایلی چون کینه ورزی، جدال، دروغ، حرص و خشم هشدار داده و آن ها را عامل سقوط معنوی و گسست روابط انسانی می داند (ن.ک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴:ق: ۴۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳:ق، ج ۶۹: ۲۶۳، ج ۷۵: ۳۷۳؛ حلوانی، ۱۴۰۸:ق: ۱۴۵، ۱۴۶؛ شامی، ۱۴۲۰:ق: ۷۴۷؛ دیلمی، ۱۴۰۸:ق: ۳۱۴). در مقابل، فضایل اخلاقی همچون تواضع، عفو، راستگویی، بردباری، اعتدال و قناعت به عنوان پایه های تربیت فردی معرفی می شود (ن.ک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴:ق: ۴۸۶، ۴۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳:ق، ج ۶۶: ۴۰۷، ج ۷۲: ۴۶۶، ج ۷۵: ۳۷۱؛ شهید اول، ۱۳۷۹: ۴۵؛ دیلمی، ۱۴۰۸:ق: ۳۱۳). نیکی به مردم، یاری نیازمندان، خوش خلقی، گذشت و مدارا با مخالفان نیز نشانه ایمان راستین دانسته شده است (ن.ک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴:ق: ۴۸۹؛ حلوانی، ۱۴۰۸:ق: ۱۴۵؛ دیلمی، ۱۴۰۸:ق: ۳۱۳؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵:ق، ج ۱: ۲۴، ۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳:ق، ج ۷۵: ۳۷۳، ۳۷۹).

بعد اجتماعی اخلاق در سخنان امام جایگاه برجسته ای دارد. توصیه هایی درباره آداب معاشرت، خوش رفتاری با همسایگان، رعایت حقوق دیگران، امانتداری، نصیحت پنهانی و

پرهیز از افراط در رفتار اجتماعی، اخلاق را به عنوان برنامه‌ای جامع برای سامان دهی روابط اجتماعی معرفی می‌کند. همچنین سفارش به تقوا، صداقت، حضور فعال در جامعه، تلاوت قرآن و زینت بخشی به نام اهل بیت (علیهم السلام)، چهار چوب کلی رفتار اجتماعی شیعیان را ترسیم می‌نماید (ن.ک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۸۷-۴۸۸؛ حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۴۵-۱۴۷؛ دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۳۷۲؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۰۲).

در کنار این موارد، امام عسکری (علیه السلام) بر عقلانیت، میانه روی، دوراندیشی و پرهیز از افراط، به عنوان ضرورت‌های زیست اخلاقی تأکید می‌کند و پرهیزکاری، مراقبت از نفس و یاد مرگ را معیار تحقق عبادت حقیقی می‌داند. توصیه‌های ایشان درباره حفظ انسجام شیعیان، پرهیز از نزاع، رعایت عدالت، دوری از ظلم و هوشیاری در برابر دشمنان، پاسخی به شرایط سیاسی ملت‌هت‌ب سامراست؛ شرایطی که در آن امام پیروان خود را به بصیرت، خویش‌داری و رفتار اخلاق‌مدارانه فرا می‌خواند (ن.ک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۰). مجموعه این آموزه‌ها نشان می‌دهد که اخلاق در منظومه فکری امام حسن عسکری (علیه السلام)، نه صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های فردی، بلکه طرحی جامع برای ساخت انسان و جامعه ایمانی در یکی از سخت‌ترین دوران‌های تاریخ شیعه است.

۳-۵. زیارت و دعا

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، دوره امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) یکی از دشوارترین ادوار تاریخ شیعه بود، زمانی که پیروان مذهب تشیع تحت فشار سیاسی، محدودیت‌های ارتباطی و اختناق شدید حکومتی قرار داشتند. در چنین شرایطی، دعا و زیارت به عنوان ابزارهایی مؤثر برای آرام‌سازی روحی و تقویت هویت اعتقادی شیعیان به کار گرفته شدند. این روش‌ها در تشیع سابقه‌ای طولانی داشتند و همواره وسیله‌ای برای بیان آموزه‌های اعتقادی و ترویج مبانی شیعه در شرایط محدود بود (ن.ک: توحیدی نیا، ۱۳۹۶: ۲۴۸-۲۵۴؛ نوری و عاشوری، ۱۳۸۸: ۸۹-۹۰). ائمه شیعه در برابر فشار خلفا، مضامین اعتقادی خود را در قالب دعا مطرح می‌کردند تا ضمن اصلاح جامعه، مردم را با آموزه‌های شیعی آشنا سازند (ن.ک: سلمانپور، ۱۳۸۴: ۸۹-۹۰). امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز در همین راستا از

دعا و زیارت به عنوان ابزاری راهبردی بهره گرفت و با نشر مضامین عقیدتی شیعه، جامعه شیعی را از انحرافات اعتقادی و ضعف معنوی مصون داشت.

احادیث دعا و زیارت امام حسن عسکری (علیه السلام) نشان می‌دهد که آن حضرت این ابزارها را فراتر از عبادت فردی می‌دانست و آن‌ها را وسیله‌ای تربیتی و هویتی برای هدایت جامعه شیعه به صبر، امید و مقاومت معرفی می‌کرد (ابن فهدحلی، ۱۴۰۷ق: ۱۳۶-۱۳۷). مجموعه‌ای از دعاها و صلوات‌های مفصل امام یازدهم (علیه السلام) علاوه بر بعد عبادی، کارکرد اعتقادی دارند. صلوات‌های طولانی بر پیامبر (صلوات الله علیه) و اهل بیت (علیهم السلام) با برجسته‌سازی زنجیره امامت و یادآوری فضایل آنان (طوسی، ۱۴۱۱ق (ب)، ج ۱: ۳۹۹-۴۰۶؛ ابن طاووس، ۱۳۳۰ق: ۴۸۴-۴۹۲)، نقش مهمی در حفظ میراث امامت و مقابله با محدودیت‌های حکومتی ایفا می‌کنند. دعاهایی مانند دعای صبح و اذکار روزانه با تأکید بر صفات مطلق الهی، شیعیان را به قدرت حقیقی خداوند متصل کرده (ابن فهدحلی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۸؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۱۳؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۶۰-۶۱، ۱۴۵-۱۴۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۱۹۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۷۷-۲۷۸) و نوعی مقاومت روانی در برابر هیمنه خلافت عباسی ایجاد می‌کنند. حرزها و قنوت‌های منقول نیز با تأکید بر پناه جویی به خداوند غالب (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۶۲-۶۷، ۳۰۱-۳۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱: ۳۶۳-۳۶۴)، سپری معنوی برای جامعه ناامن فراهم ساخته و انسجام اجتماعی و امید جمعی را تقویت می‌کنند.

زیارت‌های منقول از امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز کارکردی اعتقادی و پاسخ به جریان‌های مخالف داشتند که پیش از این ذکر آن گفته شد. برای نمونه، زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تبیین جایگاه الهی، تاریخی و اخلاقی امام علی (علیه السلام) ولایت را امتداد رسالت نبوی معرفی می‌کند و با تأکید بر مظلومیت آن حضرت و انحراف امت، به‌طور ضمنی مشروعیت خلافت خلفای سه‌گانه را نفی و باورهای امویان، عباسیان و همچنین ناصبی‌ها و طرفداران نظریه خلافت انتخابی را رد می‌کنند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۶۴-۲۸۲). به این ترتیب، دعا و زیارت از یک سو موجب تثبیت ایمان فردی و ارتقای معنویت شیعیان می‌شد و از سوی دیگر، نقش مؤثری در حفظ انسجام اجتماعی، مقابله با فشار و اختناق سیاسی

داشت. می‌توان گفت امام حسن عسکری (علیه السلام) در یکی از بحرانی‌ترین دوران تاریخ شیعه، با استفاده از دعا و زیارت، جامعه شیعی را به صبر، امید و مقاومت تربیت کرد و از طریق این ابزارهای کم‌خطر اما مؤثر، هویت شیعیان را تثبیت نمود، مفاهیم ولایت و امامت را تقویت کرد و انسجام فکری و اجتماعی جامعه را حفظ کرد. این آموزه‌ها نشان می‌دهد که امام (علیه السلام) دعا و زیارت را نه تنها به عنوان عبادت فردی، بلکه به عنوان یک راهبرد تربیتی و عقیدتی در شرایط بحرانی به کار گرفتند تا شیعه در سخت‌ترین شرایط تاریخی، پایبند به آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی خود باقی بماند.

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش با تحلیل جامع و روشمند روایات امام حسن عسکری (علیه السلام) روشن شد که امامت آن حضرت در یکی از حساس‌ترین و بحرانی‌ترین مقاطع تاریخ تشیع تحقق یافته است. دوره‌ای که از یک سو با فشار شدید سیاسی، کنترل امنیتی و تهدید مستمر خلافت عباسی همراه بود و از سوی دیگر، تکثر و تعارض جریان‌های فکری و کلامی، بنیان‌های اعتقادی جامعه اسلامی و به‌ویژه شیعیان را در معرض آسیب قرار داده بود. چنان‌که، نحله‌های تشبیه و تجسیم با ظاهرگرایی افراطی، جریان تعطیل با نفی صفات الهی و ثنویت با باور به دو مبدأ مستقل، بنیان معرفت توحیدی را تهدید می‌کردند. هم‌زمان، معتزله با عقل‌گرایی افراطی و طرح مسائلی همچون خلق قرآن، ناصبی‌ها با انکار فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اهل حدیث و خوارج با طرفداری از نظریه خلافت انتخابی بستر جدال‌های گسترده اعتقادی را فراهم می‌کردند. همچنین، جریان غلو که با اباحه‌گری و انتساب دروغین خود به ائمه شیعه (علیهم السلام)، چهره حقیقی تشیع را مخدوش می‌ساخت و حقانیت آن را خدشه‌دار می‌کردند. در کنار آن، برخی فرق شیعی با اعتقاد به ظهور قائم آل محمد (علیهم السلام)، امامت را منقطع دانستند.

در چنین فضایی، سخنان امام عسکری (علیه السلام) با هدف مقابله و مواجهه با این انحرافات سامان یافته‌اند و نشان‌دهنده اهتمام ایشان برای زدودن شبهات و پاسخ به چالش‌های فکری روزگار خویش است. در حوزه فقه و اخلاق، امام عسکری (علیه السلام) با ارائه دستورالعمل‌های

عملی و تأکید بر تهذیب نفس، تقوا و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، الگویی از زندگی دینی مقاوم در شرایط فشار و اختناق ترسیم کرد که به حفظ انسجام درونی جامعه شیعه انجامید. ادعیه و زیارات منقول از آن حضرت نیز افزون بر کارکرد عبادی، نقشی هویت‌ساز، آرامش‌بخش و تقویت‌کننده پیوند معنوی شیعیان با خداوند و اهل بیت (علیهم السلام) ایفا نمود. تفسیر قرآن نیز در کلام امام یازدهم (علیه السلام) ابزاری مؤثر برای سامان‌دهی گفتمان دینی و مقابله با قرائت‌های انحرافی درباره توحید و امامت به‌شمار می‌آید.

در عرصه کلام که اصلی‌ترین میدان رویارویی فکری عصر امام بود، روایات امام حسن عسکری (علیه السلام) جایگاهی بنیادین دارد. ایشان با تبیینی عقلانی و متقن از اصول توحید و امامت، هم در برابر جریان‌های انحرافی درون دینی و هم در برابر شبهات برون دینی، موضعی استوار اتخاذ کرد. تأکید بر تنزیه الهی و نفی تشبیه و تجسیم و نیز تبیین نص و نصب الهی امام و ضرورت وجود حجت در همه اعصار، بنیان‌های اعتقادی تشیع را تثبیت نمود. همچنین، تبیین گسترده مسئله مهدویت، معرفی ویژگی‌ها و نشانه‌های حجت غایب و زمینه‌سازی سازمان‌یافته برای عصر غیبت، نشان از تدبیر عمیق امام در مدیریت آینده جامعه شیعه دارد. در مجموع، یکی از کارکردهای روایات امام حسن عسکری (علیه السلام) در عصر آن حضرت، پاسخ‌گویی به چالش‌های فکری و اعتقادی زمانه و کمک به صیانت از هویت شیعی، حفظ تداوم سنت امامت و انسجام جامعه شیعه در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ اسلام بوده است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). *عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. تحقیق مجتبی عراقی. قم: دارسیدالشهداء للنشر.
- ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۸۲). *تاریخ الکامل*. ترجمه حمیدرضا آذیر. تهران: اساطیر.
- ابن المرتضی، احمد بن یحیی. (بی تا). *شرح الأزهار*. صنعا: مکتبه غمضان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: اسلامیه.
- _____ . (۱۳۹۸ق). *التوحید*. تحقیق هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.
- _____ . (۱۴۰۳ق). *معانی الأخبار*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ . (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۲۶ق). *تهذیب التهذیب*. هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی. (۱۴۱۹ق). *الناقب فی المناقب*. تحقیق نبیل رضا علوان. قم: انصاریان.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۶ق). *تحف العقول*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)*. قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۳۰ق). *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*. قم: دارالرضی.
- _____ . (۱۴۰۹ق). *إقبال الأعمال*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ . (۱۴۱۱ق). *مهج الدعوات و منهج العبادات*. تحقیق ابوطالب کرمانی. قم: دارالذخائر.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). *عدة الداعی و نجاح الساعی*. تحقیق احمد موحدی قمی. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). *المزار الکبیر*. تحقیق جواد قیومی اصفهانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابوعوانه، یعقوب بن اسحاق. (۱۴۱۹ق). *المستخرج علی صحیح مسلم*. تحقیق ایمین عارف دمشقی. بیروت: دارالمعرفه.
- احمدی کجایی، مجید؛ ترابی مبینی، روح الله. (۱۳۹۳). «رفتارشناسی امام هادی و امام عسکری». *پژوهش های مهدوی*. سال ۳. ش ۱۱. صص: ۲۷-۴۸.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی هاشمی.
- اشعری، سعد بن عبدالله. (۱۳۷۱). *المقالات و الفرق*. ترجمه محمد جواد مشکور. تهران: عطایی.
- اشعری، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۶ق). *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*. تحقیق نعیم زرزور. بیروت: المکتبه العصریه.
- باقلانی، محمد بن طیب. (۱۳۶۶ق). *التمهید فی الرد علی الملحدّة*. قاهره: دارالفکر العربی.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه بعثه.
- بغدادی، عبدالقاهر. (۱۴۰۸ق). *الفرق بین الفرق*. بیروت: دارالجبل.
- پناهی فر، نسیم. (۱۳۹۲). «گونه شناسی روایات تفسیری امام حسن عسکری (علیه السلام) در تفسیر قرآن». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه الزهراء (علیه السلام).
- تحفت الحسین. (۱۴۰۱). «شیوه های مواجهه و تعامل امام حسن عسکری علیه السلام با خلفاء و شیعیان». *پایان نامه کارشناسی*

ارشد. جامعه المصطفی العالمیه.

ثنایی، علی اصغر. (۱۶۰۰). «نقش امام حسن عسکری (علیه السلام) در آماده‌سازی جامعه شیعی برای دوران غیبت». **مه‌ودیت**. ش ۳۷. سال دهم. صص: ۳۷-۵۴.

جباران، محمدرضا. (۱۳۸۲). «نگاهی به مکاتب حدیثی شیعه در سده‌های اولیه». **شیعه‌شناسی**. شماره ۳ و ۴. صص: ۵۹-۸۰. جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). **حیات فکری و سیاسی ائمه**. قم: انصاریان.

حافظ برسی، رجب‌بن محمد. (۱۴۲۲ق). **مشارق أنوار الیقین**. تحقیق علی عاشور. بیروت: اعلمی. حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعة**. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت.

_____ (۱۴۲۵ق). **إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**. بیروت: اعلمی.

التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (علیه السلام). (۱۴۰۹ق). قم: مدرسه‌ال‌امام‌المهدی.

حقی بروسی، اسماعیل. (بی تا). **تفسیر روح‌البیان**. بیروت: دارالفکر.

حکیم، سیدمنذر و عبدالرزاق صالحی. (۱۳۸۵). **پیشوایان هدایت**. جلد سیزدهم؛ خورشید سامرا حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام). ترجمه کاظم حاتمی طبری. تهران: انتشارات مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).

حلوانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۸ق). **نزہة الناظر وتنبیه الخاطر**. قم: مدرسه‌ال‌امام‌المهدی.

خزازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). **کفایة الأثر**. قم: بیدار.

خصیبی، حسین بن حمدان. (۱۴۱۹ق). **الهدایة الکبری**. بیروت: البلاغ.

خضری، سیداحمد رضا. (۱۳۸۴). **تاریخ خلافت عباسی**. تهران: سمت.

خوبی، سیدابوالقاسم. (بی تا). **التنقیح فی شرح العروة الوثقی**. بی جا: بی نا.

خیرالهی، محمود. (۱۳۹۷). «مناظرات امام حسن عسکری (علیه السلام)». **بینات**. ش ۹۹-۱۰۰. صص: ۱۹۹-۲۱۰.

دارمی سجستانی، عثمان بن سعید. (۱۴۱۶ق). **الرد علی الجهمیة**. کویت: دارابن‌ال‌أثیر.

دفتری، فرهاد. (۱۳۸۶). **تاریخ و عقاید اسماعیلیه**. تهران: فروزان.

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ق). **أعلام‌ال‌دین فی صفات المؤمنین**. تحقیق مؤسسه‌ال‌بیت (علیهم السلام). قم: مؤسسه‌ال‌بیت (علیهم السلام).

ذهبی، شمس‌الدین. (۱۴۱۳ق). **سیر أعلام النبلاء**. تحقیق علی ابوزید و دیگران. بیروت: مؤسسه‌ال‌رسالة.

راوندی، قطب‌الدین. (۱۴۰۹ق). **الخراجه والجرائح**. تحقیق مؤسسه‌ال‌امام‌المهدی (علیه السلام). قم: مؤسسه‌ال‌امام‌المهدی (علیه السلام).

ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۹). **فرق و مذاهب کلامی**. قم: المصطفی.

روحی، علیرضا. (۱۳۹۵). «ریشه‌کاوی فراز و فرود فطحیه در تاریخ تشیع». **سیره‌پژوهی اهل‌بیت**. سال ۱. ش ۲. صص: ۸۷-۶۹.

سالم، عبدالرحمن. (۱۴۱۰ق). **التاریخ‌ال‌سیاسی‌المعتزلی**. قاهره: کلیه‌دارالعلوم.

سلامی، زینب؛ مهریزی، مهدی؛ عباسی، مهرداد. (۱۶۰۱). «گونه‌شناسی و تحلیل روایات نام و نسب حضرت مهدی (علیه السلام) در منابع زیدیه». **انتظار موعود**. ش ۷۸. صص: ۲۰-۴۰.

سلطانی، مصطفی. (۱۳۹۲). «امامت از دیدگاه زیدیه». **امامت‌پژوهی**. ش ۱۰. صص: ۲۱۹-۲۴۶.

سلمانپور، محمدجواد. (۱۳۸۴). «فرهنگ‌سازی امام‌سجاد (علیه السلام) با زبان دعا». **اندیشه دینی**. ش ۱۷. صص: ۸۵-۱۰۶.

سیدمرتضی، علی بن حسین. (۱۴۰۵ق). **رسائل‌المرتضی**. تحقیق سیداحمد حسینی و سیدمهدی رحایی. قم: مطبعه‌سیدالشهداء.

- شامی، یوسف بن حاتم. (۱۴۲۰ق). **الدرا النظیم فی مناقب الأئمة الهامیم**. قم: جامعه مدرسین.
- شریف قرشی، باقر. (۱۳۷۵). **زندگانی امام حسن عسکری (علیه السلام)**. ترجمه سید حسن اسلامی. قم: جامعه مدرسین.
- شمخی، مینا؛ فایضی، طیبه. (۱۳۹۷). «روایات تفسیری امام حسن عسکری (علیه السلام)». **بینات**. ش ۹۹ و ۱۰۰. صص: ۳۷-۶۲.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۴). **الملل والنحل**. قم: انتشارات الشریف الرضی.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۳۷۹). **الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة**. ترجمه و تحقیق عبدالهادی مسعودی. قم: زائر.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۰۴ق). **روض الجنان**. قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام).
- صابری، حسین. (۱۳۸۳). **تاریخ فرقه های اسلامی**. تهران: سمت.
- صداقت ثمر حسینی، کامیار. (۱۳۹۳). «وصایای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در باره جانشین بلافضل خود و نقد نظریه انکار وصایت». **پژوهشنامه علوی**. ش ۲. صص: ۷۹-۹۷.
- صمصامی، مائده. (۱۴۰۰). «تحلیل محتوای نامه ی امام حسن عسکری (علیه السلام) به اسحاق ابن اسماعیل نیشابوری». **پایان نامه کارشناسی ارشد**. دانشگاه الزهراء (علیها السلام).
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). **الاحتجاج علی أهل اللجاج**. تحقیق محمد باقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق). **إعلام الوری بأعلام الهدی**. قم: آل البيت.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۵). **تاریخ طبری**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- طبری، محمد جواد. (۱۳۷۴). **حیة الإمام العسکری**. قم: مکتبه الإعلام الاسلامی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۱۶ق). **مجمع البحرين**. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ق). **الاستبصار فیما اختلف من الأخبار**. تحقیق حسن موسوی خراسان. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۴۰۷ق). **تهذیب الأحکام**. تحقیق حسن موسوی خراسان. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۴۱۱ق). الف. **الغیبة**. تحقیق عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح. قم: دارالمعارف الإسلامیة.
- _____ (۱۴۱۱ق). ب. **مصباح المتعهد وسلاح المتعبد**. بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.
- _____ (۱۴۲۰ق). **فهرست کتب الشیعة**. تحقیق عبدالعزیز طباطبایی. قم: مکتبه المحقق طباطبایی.
- علی پور، فاطمه؛ قراتی، حامد. (۱۴۰۳). «مواجهه امام حسن عسکری (علیه السلام) با معضلات فکری و معرفتی رایج در سامراء». **پژوهش نامه امامیه**. ش ۱۹. صص: ۳۰۸-۳۲۶.
- عمر جی، احمدشوقی ابراهیم. (۲۰۰۰م). **المعتزلت فی بغداد و اثرهم فی الحیة الفکرية والسیاسیة**. قاهره: مکتبه الدبولى.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). **تفسیر العیاشی**. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمیة.
- فرمانیان، مهدی. (۱۳۸۷). **آشنایی با فرق تشیع**. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- فلاح زاده، احمد. (۱۴۰۱). «غالبان در عصر امام حسن عسکری (علیه السلام)». **پژوهشنامه تاریخ اسلام**. ش ۴۸. صص: ۲۷-۴۸.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۵ق). **تفسیر الصافی**. تحقیق حسین اعلمی. تهران: مکتبه الصدر.
- قمی، عباس. (۱۴۱۴ق). **سفینه البحار**. قم: اسوه.
- قمی، علی. (۱۴۰۴ق). **تفسیر القمی**. تحقیق طیب موسوی جزائری. قم: دارالکتاب.
- کرون، پاتریشیا. (۱۳۸۹). **تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام**. ترجمه مسعود جعفری. تهران: سخن.
- کشی، محمد. (۱۴۰۹ق). **رجال الکشی**. تلخیص و تهذیب محمد بن حسن طوسی و تحقیق حسن مصطفوی. مشهد: دانشگاه مشهد.

- کفعمی، ابراهیم. (۱۴۱۸ق). *البلد الامین والدرع الحصین*. بیروت: الأعلمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان‌بور.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۶۵). *التنبیه والاشراف*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۲۶ق). *اثبات الوصیة*. قم: انصاریان.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *کلیات علوم اسلامی*. قم: صدرا.
- معتزلی، قاضی عبدالجبار. (۱۹۶۵م). *المغنی فی أبواب التوحید والعدل*. تحقیق محمود محمد قاسم. قاهره: الدار المصرية.
- نجاشی، محمد سعید. (۱۴۰۳). «نقش امام عسکری (علیه السلام) در نهادینه سازی خمس». *پژوهش نامه امامیه*. ش ۱۹. صص: ۲۳۲-۲۵۴.
- نجاشی، احمد. (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نویختی، حسن بن موسی. (۱۳۵۵). *فرق الشیعة*. تصحیح سید محمد صادق بحر العلوم. نجف: المكتبة المرتضویة.
- لوی، علی محمد. (۱۴۰۰). *تاریخ علم کلام ومذاهب اسلامی*. تهران: بعثت.
- هدایت پناه، محمدرضا. (۱۳۹۶). «مواجهه حوزه اهواز با فرقه های مذهبی». *سخن تاریخ*. ش ۲۶. صص: ۲۴۸-۲۲۱.

An Analysis of the Hadiths of Imam al-Hasan al-Askari (as) within the Political and Cultural Context of His Era

Zeinab Omidian ¹

Received: April 23 , 2026

Revised: June 07 , 2026

Accepted: June 08 , 2026

Abstract

Content analysis of the Imams' (AS) hadiths, considering the circumstances of their narration and their thematic categorization, can reveal each Imam's plans and strategies for their time and provide a clear picture of their approach to social conditions and the challenges of their era. Accordingly, the present study employs a historical method to examine the content and analysis of Imam Hasan al-Askari's (AS) hadiths and elucidates their connection with the political and cultural context of his time. The findings indicate that Imam al-Askari's period of Imamate was marked by severe political pressure, Abbasid security control, and the proliferation of diverse theological and intellectual currents, which threatened the foundational beliefs of the Islamic community, particularly the Shia. The Muslim community faced conflicting currents such as anthropomorphism, dualism, Mu'tazilism, Nasibism, extremism, and certain Shia sects that sought to promote misconceptions regarding monotheism, Imamate, religious rulings, exegesis, and ethics. In this environment, Imam Hasan al-Askari (AS), through a rational, transcendental, and educational approach, clarified the correct understanding of monotheism and Mahdism, reinforced the concept of Imamate and the authority of the Imams (AS), and organized ethical, jurisprudential, and exegetical teachings, thereby safeguarding the Shia community from the confusions and doubts of the era. It can be said that Imam Hasan al-Askari (PBUH) occupies a unique position in preserving the scientific heritage of the Ahl al-Bayt (AS) and articulating religious knowledge, serving as a bridge between the teachings of previous Imams and the intellectual groundwork for the period of the Greater Occultation.

Keywords

Imam Hasan al-Askari (AS), Hadiths, Intellectual-Theological Crisis, Shia, Mahdism.

1. Assistant professor of History Department, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran:
z.omidiyan@hsu.ac.ir